

به نام خالق زیبایی ها

معجزات علمی و عددی قرآن

(کتابی سراسر شگفتی...)



AmirTabasi.Com

به نام آنکه مرا از قطره ای ناچیز با روح خودش انسانی کامل آفرید

مقاله‌ی معجزات علمی و عددی قرآن را، به این دلیل گردآوری کردم تا با مطالعه، تحقیق و تفکر درباره مطالب آن، بپذیریم و باور کنیم، **کتاب قرآن از طرف یک قدرت برتر است.**

قدرت برتری که اسمش را گذشته‌ایم **خدا**، خداوندی که آیات قرآن را بر قلب محمد(ص) نازل کرد.

پیش از آنکه به مطلب اصلی بپردازیم لازم است به این نکته اشاره کنیم که **فهمیدن اینکه قرآن معجزه است کافی نیست!**

اینکه بخواهیم تنها به این دلیل که مسلمان هستیم و کتاب‌مان قرآن، معجزه است، به خود افتخار کنیم و منتظر باشیم تا **فقط بخاطر عنوان دین و مذهب‌مان**، به محض ورود به دنیای بعد از مرگ، ما را به سمت درهای بهشت راهنمایی کنند، **توهمی بیش نیست.**

آنچه باعث خلق نتایج در زندگی مان می شود تنها شنیدن، خواندن و حتی حفظ کردن قرآن نیست، بلکه نتایج وقتی وارد زندگی مان می شود که بتوانیم به آیات قرآن که همان قوانین بی تغییر خداوند است، **عمل کنیم.**

هرچه بیشتر با این کتاب آشنا می‌شویم، **بیشتر خداوند و قوانینش را درک می‌کنیم** و اگر به قوانینش عمل کنیم می‌توانیم بهشت را در همین دنیا و در ادامه در دنیای بعد از مرگ تجربه کنیم.

اگر بعد از مطالعه این مقاله و تحقیق و تفکر درباره آنچه گفته می‌شود، به این ایمان و باور رسیدید که نویسنده این کتاب خداوند است، **مقالات و ویدئوهای آموزشی رایگان** سایت را بخوانید و تماشا کنید. امیدوارم از مطالعه این مقاله لذت ببرید و **باعث شود دریچه‌های جدیدی از آگاهی را به روی شما باز کند.**

نکته: در این کتاب نام سوره و شماره آیات بصورت اعداد و به شکل (نام آیه : نام سوره) آمده است. بطور مثال ۱۳:۲ یعنی آیه شماره ۲ از سوره شماره ۱۳ قرآن یعنی سوره رعد.

عدد ۱۹ از کجا آمده است؟

رشاد خلیفه **(برای شناخت بیشتر رشاد خلیفه کلیک کنید)** مدت زیادی از عمر خود را مشغول اثبات اعجاز عدد ۱۹ در قرآن بود. اگر او همین مدت را برای درک و فهم قرآن و عمل به آن صرف می کرد، بی‌شک نتایج بهتری می گرفت. **او از صراط مستقیم منحرف شد و خود را به گشتن داد!**

تحقیقات رشاد خلیفه درباره شگفتی‌های عدد ۱۹ در قرآن مربوط می شود به **آیه ۳۰ سوره مدثر** که در این آیه، تعداد فرشتگان یا همان موکلان دوزخ را نوزده (۱۹) نفر اعلام می کند. در آیه بعدی یعنی آیه ۳۱ سوره مدثر، دلیل اعلام تعداد ملائکه جهنم را توضیح می‌دهد. بیابید ابتدا آیات ۲۳ تا ۳۶ سوره مدثر را با یکدیگر بخوانیم:

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

آن گاه [از قرآن] روی گردانید و تکبر ورزید

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾

پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین حکایت شده چیزی نیست

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

این جز سخن بشر نمی باشد

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

به زودی او را در سقر درآورم

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

و تو چه می دانی سقر چیست؟

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

[آتشی است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند

لَوَّاحَهُ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

بر آن نوزده نفر [موکل] گمارده اند!

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۚ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا ۚ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا ۗ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان قرار نداده ایم، و شماره آنان را جز آزمایشی برای کافران مقرر نکرده ایم تا اهل کتاب [به خاطر هماهنگی قرآن با کتابشان] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان [در حقایق قرآن] تردید نکنند، و تا بیماردلان و کافران بگویند: خدا از توصیف گماشتگان آتش به این [نوزده نفر] چه هدفی دارد؟ این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید، و سپاهیان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند، و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است.

كُلًّا وَالْقَمَرَ ﴿٣٢﴾

این چنین نیست [که کافران می پندارند که این حقایق افسانه است،] سوگند به ماه

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

[و] سوگند به شب هنگامی که پشت می کند

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

و سوگند به صبح زمانی که از پرده سیاه شب درآید و رخ نماید

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبْرَى ﴿٣٥﴾

که بی تردید این [قرآن] از بزرگ ترین پدیده هاست

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

هشدار دهنده به بشر است

اکنون می خواهیم چند نمونه از شگفتی های عدد ۱۹ در قرآن را با یکدیگر بررسی کنیم تا طبق آیه ۳۱ سوره مدثر، **ایمان مان در مورد حقانیت قرآن بیشتر شود** و مانند رشاد خلیفه دچار گمراهی نشویم!

او شگفتی ها و معجزه های عدد ۱۹ در قرآن را کشف کرد، اما بجای اینکه بر ایمانش افزوده شود، دچار گمراهی شد و ادعای پیامبری کرد! **این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید**

چند نمونه از شگفتی های عدد ۱۹ در قرآن

—بسم الله الرحمن الرحيم از ۱۹ حرف تشکیل شده است.

—قرآن کریم از ۱۱۴ سوره تشکیل یافته است. (۶*۱۹)

—سوره علق از ۱۹ آیه و ۲۸۵ (۵*۱۹) حرف تشکیل یافته است.

—سوره نصر، آخرین سوره وحی شده، ۱۹ واژه را در بر دارد.

—اولین آیه سوره نصر که از امدادی که در آینده صورت خواهد گرفت سخن می گوید (شامل ۱۹ حرف می باشد).

—قرآن مجید شامل ۱۱۴ بسم الله الرحمن الرحيم می باشد، یعنی ۶*۱۹.

—از میان ۱۱۴ سوره قرآن ۱۱۳ سوره با بسم الله آغاز می شود. تنها سوره ای که بسم الله ندارد، سوره توبه می باشد، و سوره نمل هم که شامل دو بسم الله می باشد، اولین بسم الله در ابتدای سوره و دومین آن، آیه ۳۰ می باشد. از سوره توبه به بعد که با بسم الله شروع نمی شود، سوره نمل در نوزدهمین سوره بعد از آن قرار دارد.

در آغاز سوره نمل (یعنی سوره بیست و هفتم) یک بسم الله وجود دارد، همان طور که در آغاز آیه سی ام این سوره نیز یک بسم الله وجود دارد. بنابراین دو بسم الله در این سوره وجود دارد. و این بسم الله که در آیه سی هم قرار دارد، فهرست ۱۱۴ بسم الله که قرآن شامل آن می باشد را کامل می کند. زمانی که ما عدد این آیه و این سوره (یعنی ۳۰ و ۲۷) را با هم جمع می کنیم، به جمع کل پنجاه و هفت (۳*۱۹=۵۷) می رسیم.

—مجموع کل سوره ها و تعداد آیاتی که واژه «واحد» در آن به کار رفته ۱۹*۱۹ می باشد به عبارت دیگر ۳۶۱.

—بین اولین حروف مقطعه (الف، لام، میم) بقره/۱ و آخرین آنها (ن) قلم/۱ (۵۲۶۳ آیه وجود دارد، به عبارتی ۱۹*۲۷۷).

—سی و هشت (۲*۱۹=۳۸) آیه بدون حروف مقطعه در بین اولین سوره دارای حروف مقطعه و آخرین آنها وجود دارند.

—واژه «الرحمن» ۵۷ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. (۳*۱۹)

—سی (۳۰) عدد مختلف در قرآن کریم نام برده شده است؛ که جمع این اعداد، عدد ۱۶۲۱۴۶ می شود و این عدد در اصل از ضرب ۱۹*۸۵۳۴ به دست می آید.

—پنجاهمین سوره قرآن کریم که با حرف مقطعه «ق» شروع می شود شامل ۵۷ حرف ق می باشد و به عبارتی ۳*۱۹=۵۷.

—حروف یاء و سین در ابتدای سوره یاسین به کار رفته است، حرف سین ۴۸ مرتبه و حرف یاء ۲۳۷ مرتبه در این سوره وجود دارد. جمع کل این اعداد، عدد (۱۵*۱۹=۲۸۵) می شود.

عدد ۱۹ عددی اول است و هر عددی به ۱۹ بخش پذیر نیست. اکنون تصور کنید که ۱۴۰۰ سال قبل که تکنولوژی وجود نداشته، کامپیوتری وجود نداشته، چگونه می تواند این چنین نظم عددی بر آیات قرآن حاکم باشد؟! **چگونه ممکن است اینچنین محاسبات پیچیده ای را یک انسان آن هم بدون کامپیوتر بتواند انجام دهد؟!**

حرکت انتقالی و چرخشی زمین

—قرآن در سوره ی نازعات پس از بیان اینکه خدا آسمان را بنا نهاد در ۳۰:۷۹ (۱۹=۰+۳+۹+۷، عدد ۱۹ عددی اول است که هر عددی به آن بخش پذیر نیست. ۱۹ عددی شگفت انگیز در قرآن است) می گوید والارض بعد ذلک دحیها، و پس از آن زمین را غلتاند. **غلتاندن مناسبترین کلمه برای بیان حرکت انتقالی و چرخشی زمین است.** یک جسم غلتان در عین اینکه از نقطه ای به نقطه ای دیگر منتقل می شود به دور خود نیز می چرخد، و زمین در عین اینکه به دور خورشید می چرخد به دور خود نیز می چرخد. **در واقع زمین در مدار خود به دور خورشید در حال غلت خوردن است!**

—قرآن در ۱۲۵:۶ به وضوح بیان می کند که **کسی که به طرف آسمان بالا رود به شدت دچار تنگی نفس می شود.**

فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

هر کس را که خدا خواهد که هدایت کند دلش را برای اسلام می گشاید، و هر کس را که خواهد گمراه کند قلبش را چنان فرو می بندد که گویی می خواهد که به آسمان فرا رود. بدین سان خدا به آنهایی که ایمان نمی آورند پلیدی می نهد.

جاذبه زمین در قرآن

-قرآن در ۱۳:۲ و ۳۱:۱۰ بیان می‌کند که خدا آسمانها را بوسیله‌ی ستونهایی که دیده نمی‌شوند بنا کرد. **روشن است که منظور از این ستونها همان نیروی جاذبه‌ی عمومی است که هندسه‌ی کیهان را تعیین می‌کند.**

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ

الله، همان خداوندی است که آسمانها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت. سپس به عرش پرداخت و آفتاب و ماه را که هر یک تا زمانی معین در سیرند رام کرد. کارها را می‌گرداند و آیات را بیان می‌کند، باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۗ وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۗ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آسمانها را بی‌هیچ ستونی که ببینید بیافرید و بر روی زمین کوهها را بیفکند تا نلرزاندتان و از هرگونه جنبنده‌ای در آن بپراکند. و از آسمان آب فرستادیم و در زمین هرگونه گیاه نیکویی رویانیدیم.

استقرار زمین جهت سکونت انسان

-در قرآن چند جا از کوهها به عنوان رواسی یا لنگرهایی که بنا بر نقل صریح مکرر قرآن نقش جلوگیری از جنباندن مخلوقات روی آن را دارد یاد شده است. لنگر یک کشتی با ثابت کردن کشتی نسبت به زمین کف دریا مانع می‌شود که امواج یا باد موقعیت کشتی را تغییر دهند.

کوهها چگونه می‌توانند باعث شوند که استقرار ما بر زمین بر اثر امواج باد یا آب بهم نخورد. فرض کنید کوهی یا اصولاً پستی و بلندی‌ای روی زمین وجود نداشته باشد.

در این حال زمین در گردش به دور خودش در درون جو اطراف خود می‌چرخد یا به عبارتی نمی‌تواند جو اطراف خود را در حرکتش به دور خود با خود همراه کند. اگر اینچنین بود شاهد وزش بادهای یک‌طرفه‌ی شدیدی بر سطح زمین بودیم که استقرار ما را به هم می‌زد.

همین حالت وجود می‌داشت اگر فرض کنیم سطح تمام زمین را آب فراگرفته بود و در کف اقیانوس هیچ پستی و بلندی و کوهی وجود نداشت؛ در این حال، زمین در درون این جو آبی به دور خود می‌چرخید و موجودات درون آب همواره بر اثر حرکت نسبی یک‌طرفه‌ی آب نسبت به کف اقیانوس بی‌استقرار بودند.

پس کوههای موجود در سطح خشک زمین و در کف دریاها و اقیانوسها همچون لنگرهایی عمل می‌کنند که موقعیت ما را در اقیانوس هوا و آب اطراف زمین نسبت به قسمت جامد زمین ثابت نگاه می‌دارند.

به نظر می‌رسد به این نکته، قرآن در ۷:۷۸ والجال اوتادا، و کوهها را میخهای بزرگی قرار دادیم، نیز اشاره می‌کند. گویا کوهها همچون میخهایی بالشتک سیال اطراف زمین را به قسمت جامد آن کوبیده‌اند و آن را با زمین در گردشش به گرد خود همراه می‌کنند و مانع وزش شدید این سیال بر موجودات روی زمین می‌شوند که اگر چنین وزشی وجود می‌داشت دیگر این موجودات استقرار و آرامشی نداشتند و **دیگر زمین گهواره‌ی آرامی برای آنها نبود.**

شاید از این روست که ۷:۷۸ بلافاصله پس از ۶:۷۸ که می‌گوید الم نجعل الارض مهادا، آیا زمین را گهواره قرار ندادیم، آمده است.

جنس شهاب سنگ‌ها در قرآن

-قرآن در ۳۵:۵۵ اشاره می‌کند که شهاب سنگها از مس نیز تشکیل شده‌اند درست همانگونه که اکنون می‌دانیم درصدی از جرم آنها را مس تشکیل می‌دهد.

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

بر سر شما شراره‌هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد، و یاری نتوانید طلبید.

-در ۳۰:۲۱ خدا اشاره می‌کند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند که سپس از هم جدا شدند، و در ۴۷:۵۱ به اینکه آسمان و کیهان در حال انبساط است اشاره می‌شود، و **اینها دقیقاً همه در راستای نظریه‌ی بیگ‌بنگ (و انبساط غیرقابل انکار کنونی کیهان) می‌باشد.**

أولم ير الذين كفروا أن السماوات والأرض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون

آیا کافران نمی‌دانند که آسمانها و زمین بسته بودند، **ما آنها را گشودیم** و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ **چرا ایمان نمی‌آورند؟**

دو مشرق و دو مغرب در قرآن

۱۷:۵۵ - رب(۲۰۲) المشرقین(۷۳۱) و(۶) رب(۲۰۲) المغربین(۱۳۳۳) (=۲۴۷۴)، خدای دو مشرق و دو مغرب. برای یک فرد مستقر در یک نقطه روی زمین، مشرق و مغرب مشخص است. اگر قرار باشد برای این فرد دو مشرق و دو مغرب وجود داشته باشد در صورتی این امر ممکن می‌شود که نقاط شمال و جنوب، و یا مشرق و مغرب فعلی زمانی مغرب و مشرق بوده باشد.

اگر قرار باشد مشرق فعلی، زمانی مغرب و مغرب فعلی، زمانی مشرق بوده باشد این به این معناست که زمانی جهت گردش زمین به دور خودش برخلاف جهت فعلی بوده است.

علت وجودی میدان مغناطیسی زمین به خاطر وجود مقدار بسیار زیادی آهن و نیکل و حرارت بسیار زیاد در هسته‌ی زمین و چرخش زمین به دور خود، ارتباط مستقیمی با جهت این چرخش دارد؛

به این معنا که اگر جهت چرخش زمین برعکس شود جهت میدان مغناطیسی زمین نیز برعکس می‌شود. وجود شواهد فراوان دیرینه‌شناسی مغناطیسی زمین اثبات کرده است که میدان مغناطیسی زمین در طول عمر زمین در دوره‌های متوالی به طور مرتب معکوس شده است.

این به این معناست که در طی این دوره‌های متوالی در واقع جهت چرخش زمین به طور مرتب تغییر کرده است و این یعنی اینکه مشرق زمین همیشه مشرق نبوده است و در دوره‌های متوالی مغرب، مشرق بوده است؛ و همینطور برای مغرب زمین.

پس زمین در واقع دو مشرق داشته است و دو مغرب!

خدا در قرآن به علاوه به مشارق و مغارب زمین نیز اشاره می‌کند. همان طور که در بالا توضیح داده شد برای یک فرد مستقر در زمین با فرض تغییر گردش زمین می‌تواند دو مشرق و دو مغرب در طول دوران زمین شناسی وجود داشته باشد.

اما گرچه از لحاظ مکانی این دو مغرب و مشرق ثابت هستند اما از لحاظ زمانی، چون جهت چرخش زمین به دور خود متناوباً تغییر می‌کرده است، مشرقها یا مشارق و مغربها یا مغارب متعددی داریم.

-در آیه‌های دوم و سوم سوره‌ی روم خدا می‌گوید رومیان در پست‌ترین سرزمین شکست خوردند و سپس پیشگویی می‌کند که به زودی غلبه خواهند کرد (پیشگویی‌ای که چند سال بعد از نزول این آیه با غلبه‌ی رومی‌ها بر سپاه ایران به وقوع پیوست).

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

آنچه که در این دو آیه به آن اشاره می‌شود شکست سپاه روم از ایرانیان در نبرد سال ۶۱۹ میلادی در منطقه‌ی بحرالمیت (در فلسطین) است، و اکنون می‌دانیم پست‌ترین نقطه‌ی خشکی روی زمین (۴۲۳ متر زیر سطح آبهای آزاد جهان) همین نقطه است که حاصل برخورد سنگ بزرگ آسمانی‌ای با زمین در گذشته بوده است.

جسد مومیایی شده فرعون

۱۰:۹۲ - فَاَلْيَوْمَ نُنجِيكَ بِدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً امروز فقط بدنت را برای آنکه نشانه‌ای برای آیندگان باشد نجات می‌دهیم....

در دو آیه قبل از این آیه خدا به غرق شدن فرعون و لشکرش در دریا به هنگام تعقیب موسی و بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و این آیه (۱۰:۹۲) در واقع پاسخ خداست به پشیمانی و ایمان آوردن دیر هنگام فرعون در لحظه‌ی غرق شدن.

همان‌طور که قرآن خبر داده بود به امر الهی جسد غرق شده فرعون به ساحل نجات می‌رسد و توسط افرادی مومیایی می‌شود. امروزه او در تالار «اجساد مومیایی شده‌ی پادشاهان» موزه مصر قاهره در معرض دید تماشاگران قرار دارد!

جسد مومیایی شده مرنپتاح، پسر رامسس دوم، در سال ۱۸۹۸ توسط لوره در دره پادشاهان در طیوه (تب) کشف شد و از آنجا به قاهره منتقل گردید. الیوت اسمیت در ۸ ژولای ۱۹۰۷ نوارک‌ها را از روی او باز می‌کند و در کتابش، «اجساد مومیایی شده پادشاهان»، تشریفات این عمل و بررسی جسد را شرح می‌دهد. حالت محفوظ ماندگی جسد مومیایی شده با وجود ضایعاتی در چند نقطه در آن موقع رضایت بخش بود.

دکتر بوکای در کتاب خود می‌آورد: در ژوئن ۱۹۷۵ مقامات عالی‌ه‌ی مصر لطف کرده به من اجازه دادند قسمت‌هایی از جسد فرعون را که تا آن موقع پوشیده بود معاینه نمایم و عکس‌هایی از آن بگیرم. هنگامی که حالت کنونی با وضع بیش از شصت سال پیشتر جسد مومیایی شده مقایسه گردید؛ آشکارا نمایان شد که ضایعاتی رخ داده و تکه‌هایی از بین رفته‌اند.

بافت‌های مومیایی شده به مقدار زیادی در بعضی قسمت‌ها به دست انسان‌ها و در برخی دیگر به دلیل فرسودگی در اثر گذشت زمان آسیب دیده‌اند. این ضایعه طبیعی کاملاً از طریق تغییر شرایط نگهداری (اجساد مومیایی شده)، از زمانی که انسان‌ها در پایان قرن نوزدهم جسد مومیایی شده را در گور مقبره‌ی طیوه (تب)، که از بیش از سه هزار سال پیش در آنجا آرمیده بود، کشف کردند، توجیه شده است.

آنچه می‌تواند از هم‌اکنون از این بررسی بیرون کشیده شود مشاهده‌ی ضایعات استخوانی متعدد است، یا از بین‌رفتگی‌های مهم ماده که پاره‌ای می‌توانسته گُشنده باشد، بی‌آنکه تأیید وقوع برخی از بین‌رفتگی‌ها پیش یا پس از مرگ فرعون ممکن باشد. طبق قصص کتب مقدس آنچه بیشتر نزدیک به حقیقت به نظر می‌رسد این است که فرعون یا در اثر غرق شدن یا در اثر اختلالات شدید ناشی از زخم‌ها و جراحات وارده پیش از فرو رفتن در دریا، یا در اثر هر دو در یک زمان مرده است.

در زمان نزول قرآن در عربستان کسی از مومیایی شدن اجساد توسط مصریان قدیم اطلاعی نداشت. **در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز تنها به غرق شدن فرعون اشاره شده است نه به نجات جسد فرعون.**

-منطقه آناتولی یا آسیای صغیر در جنوب شرقی خود هم‌جوار با منطقه بین‌النهرین است و از سمت شرق محدود به ارتفاعات ارمنستان و از شمال محدود به دریای سیاه و در غرب و جنوب خود هم‌جوار با دریای مدیترانه است. دریای سیاه به وسیله تنگه‌ای به دریای مدیترانه وصل است که خود به وسیله‌ای تنگه‌ای به اقیانوس اطلس وصل است.

نگاهی به نقشه جغرافیایی منطقه و این دریاها و نحوه اتصال آنها به یکدیگر تا حدودی نشان از نوعی پیشرفتگی آب یا وصل شدن آنها به یکدیگر احتمالاً در گذشته‌ای نسبتاً دور دارد. می‌توان تصور کرد که در گذشته‌ای نسبتاً دور در این منطقه دریاچه‌ای بزرگ وجود داشته است که ارتفاعات ارمنستان دیواره شرقی آن را تشکیل می‌داده است و سطح آب این دریاچه بالاتر از سطح آب‌های آزاد جهان بوده است (درست بر خلاف دریاچه بزرگ خزر (که اتفاقاً در نزدیکی همین منطقه و در شرق آن واقع است) که سطح آن پایین از سطح آب‌های جهان است).

ممکن است بر اثر بارندگی‌های شدید مداوم چندین روزه‌ای، هم مستقیماً با بارش بر روی دریاچه و هم به طور غیر مستقیم با افزایش ناگهانی حجم آب وارد به دریاچه توسط رودخانه‌هایی که آب خود را به آن می‌ریختند و بر اثر این بارشها، به گونه‌ای سیلاب گونه حجم بسیار زیادتری آب را در محدوده زمانی نسبتاً کوتاهی وارد آن نمودند، سطح آب دریاچه در مدت کوتاهی دچار افزایش نسبتاً قابل توجهی شده باشد به گونه‌ای که آب دریاچه به طور وسیعی به داخل سواحل پیشروی بزرگی نموده است و سیلاب‌های بزرگی را به این طریق به وجود آورده است.

در سواحل شرقی دریاچه ارتفاعاتی واقع شده بودند که قبل از این بارشهای سیل آسا قسمتی از آنها در زیر آب و قسمتی بیرون از آب بوده‌اند. در این سواحل بر خلاف دیگر سواحل پست دریاچه، افزایش سطح آب بیشتر از این که طولی و سیلاب گونه باشد آرام و به صورت بالا آمدگی آب یا به عبارتی به زیر آب رفتن قسمتهای بیشتری از کوه‌ها مشهود بوده است. نتیجه این افزایش ناگهانی سطح آب این دریاچه بزرگ و بلندتر از سطح آزاد آبهای جهان می‌توانسته است این باشد که فشار بر آبهای زیر زمینی منطقه (که متصل به آب دریاچه بوده‌اند) افزایش یابد.

به عبارتی مسلماً آبهای این دریاچه قبل از این افزایش سطح ناگهانی به داخل منافذ زیر زمینی نفوذ داشته است، منافذی که انتهای آنها بعضاً اختلاف ارتفاع چندانی با سطح خشکی در زمینهای اطراف (دور) دریاچه نداشته است.

مسلماً افزایش قابل ملاحظه سطح آب دریاچه می‌توانسته است که فشار آب را در این منافذ افزایش داده و موجب پیش روی و بزرگ شدگی این منافذ گردد به نحوی که نهایتاً این منافذ پر آب به خشکی راه پیدا کرده و آب بر اثر فشار ناشی از اختلاف ارتفاع، به بالا فوران کرده باشد. مسلماً وقوع این امر و گسترش آن که همچون سوراخ شدن کف این دریاچه‌ی بلند است باعث تخلیه آب دریاچه به زمین‌های پست و نهایتاً اتصال به آبهای آزاد جهان می‌شود. خالی شدن آب این دریاچه همان فرو بلعیده شدن آب دریاچه توسط بستر دریاچه است.

با ترسیم ممکن علمی که در بالا ارائه شد محتمل است کشتی نوح با خالی شدن آب دریاچه بر دامنه‌ی ارتفاعات آراتات (یا جودی) (از ارتفاعات ترکیه و ارمنستان) به زمین نشسته باشد و اشاره قرآن به فار التنور، و نیز اشاره قرآن و تورات به شکافته شدن چشمه‌ها، همان آبفشان‌های ناشی از سوراخ شدگی‌های دریاچه باشد که در بالا به آنها اشاره شد. همچنان که اشاره قرآن به دستور خدا به زمین که آب خود را فرو ببلع همان فرایند خالی شدن ناگهانی آب دریاچه باشد (در فرایند خالی شدن ناگهانی آب دریا کشنده‌های عظیمی به سوی منافذ گشاد شده‌ی خروجی به وجود می‌آید که در ترکیب با تلاطم‌های سیل آسای بارش‌ها و طوفان‌های جوی می‌تواند امواج غول پیکری را به وجود آورد)، و نیز احتمالاً اشاره قرآن در ۵۴:۱۲ به هم پیوستن آب در این ماجرا، همان اتصال آبهای این دریاچه به آبهای آزاد سطح جهان از طریق سوراخ شدن دریاچه باشد که در بالا ترسیم شد.

همچنین احتمالاً می‌تواند آب این دریاچه آن قدر زیاد بوده باشد که علاوه بر گسترده کردن احتمالی دریا‌های سیاه و مدیترانه، با ورود به آب‌های آزاد، سطح آبهای آزاد را آن اندازه‌ای بالا بیاورد که برخی از مناطق ساحلی و جزایر پست را به زیر آب ببرد (و در این رابطه شاید بتوان در مورد زیر آب رفتن قاره یا جزیره آتلانتیس که احتمالاً وجود داشته است تحقیقی را صورت داد).

فواید انجیر و زیتون در قرآن

-وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ

خداوند در سوره "تین" (انجیر) به این میوه قسم خورده است و دانشمندان دین‌پزوه می‌گویند احتمالاً علت آن این است که انجیر یکی از میوه‌های همه چیز تمام است و کلکسیونی از املاح و ویتامین‌ها را دارد و از این رو مورد توجه خاص قرآن قرار گرفته است. **اما این سوگند، ویژگی ظریف دیگری هم در بر دارد که موجب مسلمان شدن یک تیم تحقیقاتی ژاپنی شده است.**

یک گروه پژوهشی ژاپنی، در بین مواد خوراکی به دنبال منبع پروتئین خاصی بودند که به میزان کمی در مغز انسان و حیوانات تولید می‌شود. این پروتئین، کاهش دهنده کلسترول خون و مسئول تقویت قلب و شجاعت انسان است و بازتولیدش بعد از ۶۰ سالگی تعطیل می‌شود.

ژاپنی‌ها فهمیدند این ماده فقط در انجیر و زیتون موجود است و برای تأمین آن، باید انجیر و زیتون را به نسبت یک به هفت مصرف کرد. بعد از ارائه این نتیجه، یکی از قرآن پژوهان مصری نامه‌ای به این تیم تحقیقاتی می‌نویسد و اعلام می‌کند که در کتاب مقدس مسلمانان، خداوند به انجیر و زیتون در کنار هم قسم خورده است.

نام انجیر فقط یک بار و نام زیتون نیز هفت بار در قرآن آمده است (آدرس آیات مربوط به زیتون عبارت است از ۹۹:۶، ۱۴۱:۶، ۱۱:۱۶، ۹۵:۱، ۲۹:۸۰، ۳۵:۲۴، و ۲۰:۲۳ و آدرس آیه مربوط به انجیر ۹۵:۱ است).

دکتر طه ابراهیم خلیفه، استاد بخش گیاهان داروئی دانشگاه الأزهر مصر و رئیس قبلی این دانشگاه در مورد ماده‌ی متالوئیندز می‌گوید: این ماده ایست که مخ انسان و حیوانات دیگر به میزان بسیار کمی ترشح می‌کنند. این ماده‌ی پروتئینی دارای گوگردی است که به راحتی می‌تواند با روی، آهن و فسفر مخلوط گردد. این ماده برای زنده ماندن انسان بسیار مهم است (کاهش کولسترول - جنبه‌ی غذایی - تقویت قلب و تنظیم تنفس). ترشح این ماده از مخ انسان بعد از سن ۱۵ سالگی تا سن ۳۵ سالگی افزایش می‌یابد و بعد از این سن تا ۶۰ سالگی ترشح آن کم می‌شود. بنابراین این ماده در انسان به راحتی قابل دستیابی نیست. در حیوانات دیگر نیز میزان این ماده بسیار کم است. از این رو گروهی از دانشمندان ژاپنی اقدام به جستجوی این ماده‌ی سحرآمیز که باعث از بین رفتن عوارض پیری می‌شود در میان گیاهان کردند و **تنها این ماده را در دو گیاه پیدا کردند: انجیر و زیتون**

و راست گفت خدای متعال در آنجا که گفت: و التین والزیتون (۱) و طور سینین (۲) وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵). دکتر طه ابراهیم در این قسم خدا به انجیر و زیتون و ارتباط آن با خلقت انسان در بهترین زمان و سپس برگرداندن او به بدترین زمان می‌اندیشد...

بعد از نتیجه گیری از انجیر و زیتون فهمید که به کارگیری آن از انجیر تنها یا از زیتون تنها فایده مورد نظر را برای سلامتی انسان ندارد و باید آن دو را باهم مخلوط کرد. **دانشمندان ژاپنی نیز بهترین میزان را برای بهترین تأثیر، در میزان یک انجیر و هفت زیتون یافتند.**

استاد طه ابراهیم خلیفه به جستجو در قرآن کریم ادامه داد و فهمید که انجیر یک بار در قرآن کریم ذکر شده و زیتون ۶ بار به صورت صریح و یک بار به صورت ضمنی در سوره مؤمنون به آن اشاره شده است آنجا که می‌فرماید: و شجرة تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن وصیغ للآکلین.

استاد ابراهیم طه تمام اطلاعاتی که از قرآن کریم جمع آوری نموده بود را برای گروه تحقیقاتی ژاپنی فرستاد، و بعد از اطمینان این گروه از این که قرآن کریم ۱۴۲۷ سال قبل از آنان به نتیجه‌ی علمی آنان رسیده است رئیس آن گروه اسلام آورد و مجوز این کشف بزرگ را گروه ژاپنی به دکتر طه ابراهیم خلیفه داد.

مراحل تعیین جنسیت جنین در قرآن

خدا در ۹۸:۶ به تکامل جانداران از موجود تک سلولی اولیه بر روی زمین اشاره می‌کند و این که در جریان تبدیل انواع، برخی از پایداری زیاد (مستقر) و برخی از پایداری کم (مستودع) برخوردارند (مستودع به معنای جایی است که چیزی انبار شده یا ودیعه گذاشته می‌شود تا در آینده نزدیک از آن خارج شود و معنای موقت در آن مستتر است). در ۱۱:۶ نیز به همین مسئله که موجودات روی زمین در تبدیل انواع دارای پایداری زیاد یا کم هستند اشاره شده است. (قابل توجه است که اکنون زیست شناسی می‌داند که بسیاری از انواع جدید در زمین به وجود می‌آیند که حتی قبل از این که کشف شوند منقرض می‌شوند).

-هر سلول بدن انسان دارای ۲۳ جفت کروموزوم است. یک جفت از آنها کروموزوم‌های جنسیتی است که در جنس مرد به صورت XY و در جنس زن به صورت XX است. تنها، یاخته‌ی اسپرماتوزوئید در مرد است که یا دارای تک (و نه جفت) کروموزوم X یا Y است و تنها، یاخته‌ی تخمک در زن است که دارای تک (و نه جفت) کروموزوم X است.

در هنگام تولید مثل، نیمی از شمار فراوان اسپرماتوزوئیدهای موجود در منی دارای تک کروموزوم X و نیمی دیگر دارای تک کروموزوم Y است در حالی که در هر حال تخمک دارای تک کروموزوم X است. با هجوم اسپرماتوزوئیدها به طرف تخمک تنها یکی، که ممکن است از نوع X یا Y باشد، موفق می‌شود به تخمک که همواره از نوع X است وارد شود و سلول تخم را به وجود آورد تا سپس با تکثیر سلولی آن، فرزند به وجود آید که در هر یاخته‌ی او جفت کروموزوم XX یا XY، بر حسب اینکه اسپرماتوزوئید X یا اسپرماتوزوئید Y در انجام لقاح موفق بوده است، وجود خواهد داشت.

پس می‌توان گفت این اسپرماتوزوئید است که تعیین کننده‌ی جنسیت فرزند است، و چون اسپرماتوزوئید خود یاخته جنسیتی مرد است می‌توانیم بگوییم جنس زن (و البته هم مرد) از جنس مرد پدید می‌آید.

قرآن در آیات ۴:۱ و ۷:۱۸۹ و ۳۹:۶ به خلقت انسان از نفس واحد که اشاره به همان اسپرماتوزوئید موفق به انجام لقاح از بین میلیون‌ها اسپرماتوزوئید موجود در منی است اشاره می‌کند و سپس می‌گوید از همان اسپرماتوزوئید، زوج شما را خلق کردیم که اشاره مستقیمی است که تعیین جنس زن توسط اسپرماتوزوئید صورت می‌گیرد.

علاوه بر این در ۴:۱ به تکثیر مردان و زنان بر اثر این تولید مثل و در ۷:۱۸۹ به آرامشی که زوجها (برای تولید مثل) در کنار هم خواهند داشت و در ۳۹:۶ به تکرار ادوار تکامل و تبدیل انواع که جنین در رحم مادر دارد (امری که در زیست شناسی ثابت شده است) اشاره می‌شود.

قرآن در ۵۳:۴۵ می‌گوید «اوست که دو زوج مرد و زن را خلق کرد» و در ۵۳:۴۶ ادامه می‌دهد «از منی»، و این اشاره‌ی آشکاری است که جنسیت انسان توسط اسپرماتوزوئید و نه تخمک تعیین می‌شود. جالب است که شماره‌ی آییه‌ی دوم ۴۶ است که تعداد کروموزوم‌های موجود در هر یاخته‌ی انسان است. در ۷۵:۳۷ تا ۷۵:۳۹ نیز عیناً به همین مطلب که اسپرماتوزوئید تعیین کننده جنسیت است اشاره می‌شود.

-یاخته‌ی تناسلی مرد، یعنی اسپرماتوزوئید، حاوی ۲۳ کروموزوم است. یاخته‌ی تناسلی زن نیز حاوی ۲۳ کروموزوم است. از ترکیب و تکثیر این دو، یاخته‌های انسان نوزاد که هر کدام حاوی ۲۳ جفت کروموزوم است حاصل می‌شود.

جالب است که در قرآن با شکلهای مختلف کلمه‌ی امرأه تنها ۲۳ بار به زنان مشخص و خاص (نه کلمه‌ی زن به صورت عام) اشاره شده است و با کلمه‌ی امرأ و شکلهای مختلف کلمه‌ی رجل تنها ۲۳ بار به مردان مشخص و خاص (نه کلمه‌ی مرد به صورت عام) اشاره شده است:

-به پرنورترین ستاره‌ی آسمان، شعری یا Sirius، در آییه‌ی ۴۹ سوره نجم اشاره شده است. این ستاره درواقع یک ستاره (یا کوتوله‌ی سفید) همراه به نام Sirius B دارد که با چشم غیر مسلح قابل تشخیص نیست و با دوره‌ی گردش ۴۹ ساله به گرد آن (یا درواقع مرکز جرم دو ستاره) می‌گردد، به‌علاوه عدد EGGR آن (که مشخصه‌ای نجومی برای ارزیابی طیفی، رنگی، درخشندگی، و حرکتی کوتوله‌ی سفید است) ۴۹ است.

در آیه ۴۴ سوره ی هود به به زمین نشستن کشتی نوح بر (تپه‌ی) جودی اشاره می‌شود درحالی‌که به نقل از تورات می‌دانیم کشتی نوح در اطراف کوه آرارات به زمین نشست. این کوه در طول جغرافیایی ۴۴ درجه در شمال شرقی ترکیه واقع است.

-یاخته‌ی تناسلی زنبورِ عسل نر حاوی ۱۶ کروموزوم است، و یاخته‌ی تناسلی زنبورِ عسل ماده نیز حاوی ۱۶ کروموزوم است. از ترکیب و تکثیر این دو، زنبورِ عسل ماده که سلولهایش حاوی ۱۶ جفت کروموزوم است به وجود می‌آید، و در صورتِ عدم ترکیب، یاخته‌ی تناسلی زنبورِ عسل ماده که حاوی ۱۶ کروموزوم است به تنهایی زنبورِ عسل نر را که سلولهایش حاوی ۱۶ تک کروموزوم است به وجود می‌آورد. سوره‌ی ۱۶ قرآن نحل، زنبورِ عسل، نام دارد.

-هر سلول الاغ دارای ۳۱ جفت، یعنی ۶۲ عدد، کروموزوم است. کلمه‌ی الاغ به صورتِ مفرد یا جمع در قرآن تنها در آیات ۲:۲۵۹ (حمارک)، ۶:۸ (الحمیر)، ۱۹:۳۱ (الحمیر)، ۵:۶۲ (الحمار)، و ۵۰:۷۴ (حُمُر) آمده است که جمعِ شماره آیه‌های آنها مضربی از ۳۱ است: $۳۱ = ۳۴۱ = ۵۰ + ۵ + ۱۹ + ۸ + ۲۵۹$.

مدت اقامت اصحاب کهف در غار

-قرآن در ۱۸:۲۵ می‌گوید اصحاب کهف ۳۰۰ به اضافه‌ی ۹ سال در غار ماندند. و بلافاصله در ۱۸:۲۶ قاطعانه می‌گوید خدا از همه به زمان اقامت آنها عالم‌تر است. با چنین تأکیدی به نظر می‌رسد اعداد بیان شده در ۱۸:۲۵ کاملاً دقیق باشند.

ببینیم با چنین قاطعیتی آیا پدیده‌ی علمیِ دقیقی که امروزه ثابت شده باشد پیشگویی می‌شود؟ بنا بر اعتقاد یهود، زمانِ درنگِ اصحاب کهف ۳۰۰ سال بوده است منتهی بنا بر آنچه از تقویم یهود می‌دانیم سالِ یهودی دقیقاً ۳۶۵ روز بوده است. (مسلماً در آن زمان، علم پیشرفته و اسباب‌های اندازه‌گیریِ کافی برای اندازه‌گیریِ دقیقِ سالِ شمسی که بیش از ۳۶۵ و کمتر از ۳۶۶ روز است وجود نداشته است و لذا در تقویمِ شمسیِ یهودی، سالِ شمسی دقیقاً ۳۶۵ روز در نظر گرفته شده است).

اینکه در ۱۸:۲۵ مستقیماً عدد ۳۰۹، که منظور از آن تعداد سالهای قمری اقامت اصحاب کهف در غار است بیان نشده بلکه گفته شده است ۳۰۰ به اضافه‌ی ۹، به خاطر اشاره به همین اعتقاد یهود است.

۳۰۰ سال ۳۶۵ روزی برابر است با $۱۰۹۵۰۰ = ۳۰۰ \times ۳۶۵$ روز و چون به اعتقاد قرآن این ۱۰۹۵۰۰ روز دقیقاً برابر با ۳۰۹ سال قمری است پس یک سال قمری دارای $۳۶۸۹۳۲ = ۳۰۹ \div ۱۰۹۵۰۰$ روز است. آنچه امروزه با اسبابِ دقیقِ اندازه‌گیری می‌دانیم این است که یک سال قمری ۳۶۷۰۶۸ ر ۳۵۴ روز (و طولِ متوسطِ یک ماه قمری ۲۹ ر ۵۳۰۵۸۹ روز) است.

۳۲:۵- یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یرجع الیه فی یوم کان مقداره الف سنه مما تعدون

ظاهر این آیه بیان می‌کند که خدا از آسمان به طرف زمین به تدبیر امور می‌پردازد و سپس (نتیجه) در روزی که مقدار آن بر حسب آنچه شما می‌شمارید هزار سال است به سوی او بالا می‌رود. اما شاید این آیه‌ی رمزگونه در حال بیان چیز دیگری نیز باشد. شاید اینکه به تدبیر از آسمان به زمین اشاره می‌شود اشاره‌ای هم به فروریزش امواج الکترومغناطیسی (و نور) از اجرام آسمانی به طرف زمین باشد و کلمه‌ی ثم شاید به بازتابش این امواج از زمین به آسمان اشاره دارد، و احتمالاً قسمت دوم آیه می‌گوید این امواج در یک روز (یوم) مسافتی را طی می‌کند که مقدار آن برابر با مسافت طی شده در هزار سال توسط چیزی است که شما از آن چیز در شمارش استفاده می‌کنید.

مردم عربستان زمان پیامبر اسلام از چه چیزی بیشتر از (حرکت) ماه در شمارش استفاده می‌کردند؟ پس به نظر می‌رسد این آیه می‌گوید سرعت نور (یا امواج الکترومغناطیسی) به گونه‌ای است که در یک روز مسافتی را طی می‌کند که ماه در هزار سال طی می‌کند. این معیاری برای محاسبه‌ی سرعت نور، برحسب پیشگویی قرآن، به دست می‌دهد.

برای این محاسبه نیاز به داشتن زمان یک روز بر حسب ثانیه و نیز مسافت طی شده توسط ماه در هزار سال بر حسب کیلومتر داریم تا سپس دومی را بر اولی تقسیم کنیم و سرعت نور را بر حسب کیلومتر بر ثانیه به دست آوریم. یک ماه نجومی که زمان یک دور کامل گردش کُره‌ی ماه به گرد زمین است $27,321,661$ روز یعنی $655,719,864$ ساعت است.

از طرفی سرعت حرکت کُره‌ی ماه نسبت به کیهان برابر است با $3282,82636$ کیلومتر بر ساعت) که از محاسبه‌ی عبارت $(2\pi R/T)\cos\alpha$ به دست می‌آید که در آن R شعاع مدار گردش ماه به دور زمین، 384264 کیلومتر، و T زمان یک دور گردش ماه به دور زمین که برابر با $655,719,864$ به دست آوریم و α زاویه‌ای است که در این زمان زمین نسبت به خورشید جابجا می‌شود، $26,928,478,29$ درجه.

بنابراین کُره‌ی ماه در مدت یک ماه نجومی مسافتی برابر با $2152614,454$ کیلومتر (که حاصل $655,719,864 \times 3282,82636$ است) و در 1000 سال 12 ماهی مسافتی برابر با $2,583,137,345,10$ کیلومتر را طی می‌کند. حال نیاز به دانستن زمان یک روز (یوم) نجومی داریم. یک روز نجومی $23,934,469,61$ ساعت، برابر با $86164,0906$ ثانیه، طول می‌کشد و لذا اگر مسافتی که کُره‌ی ماه در 1000 سال طی می‌کند را بر این زمان تقسیم کنیم سرعت $299792,47938$ کیلومتر بر ثانیه را برای سرعت نور به دست می‌آوریم. اولین اندازه‌گیری تقریبی سرعت نور در حدود 350 سال قبل صورت گرفت، و اندازه‌گیری‌های دقیق‌تر سرعت نور از بیش از 150 سال قبل با روشهای مختلف آغاز شد. این اندازه‌گیری‌ها از مقدارهای به دست آمده‌ی بیش از $300,000$ کیلومتر بر ثانیه تا مقدارهای دقیق اندازه‌گیری شده توسط تداخل‌سنج میکروموجی و نهایتاً لیزر در حد $299792,47938$ کیلومتر بر ثانیه ثبت شده است که خطایی کمتر از $0,0002$ درصد نسبت به پیشگویی قرآن برای سرعت نور را نشان می‌دهد.

-یکی از راه‌های اصلی که تکنولوژی امروز برای باران زایی انجام می‌دهد استفاده از ژنراتورهایی است که مواد مناسب ریزی را در مسیر بادهایی که به سمت بالا می‌وزند و تشکیل دهنده‌ی ابرها هستند می‌پراکند تا این مواد ریز در ابرهای متراکم هسته‌ی تشکیل قطرات باران شوند و باران از ابرها فرو ریزد (باروری مصنوعی ابرها).

در واقع بادهای در بسیاری از مواقع به طور طبیعی نیز با به همراه بردن ذرات معلق در جو نزدیک زمین به داخل ابرها همین عمل را انجام داده و باعث نزول باران می‌شوند (باروری طبیعی ابرها). قرآن در $15:22$ بیان می‌کند «و بادهای را بارور کننده (تلقیح کننده) فرستادیم و سپس از آسمان آب فرود آوردیم...».

دقت قرآن در جنسیت مورچه

-در $27:18$ قرآن مورچه‌ای که به مورچگان دیگر خطاب می‌کند که برای خرد نشدن زیر پای سپاهیان سلیمان به لانه‌های خود بروند را به صورت مؤنث ذکر میکند (نملة) و فعل مؤنث در موردش به کار می‌برد (قالت). مسلماً این مورچه بالدار و قادر به پرواز نبوده که به جای فرار به صورت پرواز، راه پناه بردن به لانه را امر کرده است. امروز میدانیم که تمام مورچه‌هایی که بال ندارند ماده هستند در حالی که تمام مورچه‌های نر بالدارند (و تمام مورچه‌های کارگر ماده‌اند).

-زنبور عسلهایی که گرده جمع میکنند و عسل میسازند واقعاً همه ماده هستند. زنبور عسلهای نر عسل نمیسازند. این حقیقت تنها اخیراً کشف شده است. همچنین تنها اخیراً فهمیده شده است که تمام زنبورهای عسل لزوماً با موم خود کندو نمیسازند و برخی از آنها در تنه‌ی درختان یا بدنه سخت صخره‌ها لانه میسازند. زنبور عسلهای نجار کندوی خود را در چوب سوراخکاری میکنند:

برخی از زنبورهای عسل حتی در صخره‌های سخت سوراخکاری میکنند:

قرآن در ۱۶:۶۸ و ۱۶:۶۹ وقتی از زنبور عسلی که عسل میسازد صحبت میکند با لفظ مؤنث در مورد او میگوید (از کلمات مؤنث اتخدی، کلی، فاسلکی، و بطونها استفاده میکند). همچنین در ۱۶:۶۸ به لانه سازی زنبور عسل در جبال و شجر اشاره میکند.

-از تکنیک صفحه‌ای میدانیم که میلیونها سال است که قطعات پوسته زمین بر روی قسمت مذاب زیرین به آرامی در حرکت است. در بسیاری جاها فاصله بین صفحات با شکافهایی مشخص است. قرآن در ۸۶:۱۲ به این شکافها اشاره میکند، و در ۲۷:۸۸ در واقع به تکنیک صفحه‌ای اشاره میکند و میگوید کوهها چون ابر (به آرامی) در حرکتند در حالی که ما فکر میکنیم جامدی ثابت هستند.

-برای قرنهای تصور میشد که عنوان تمام حکام مصری فرعون بوده است. در واقع کتاب مقدس تأکید دارد که ابراهیم و یوسف با فراغه سروکار داشتند. اما اکتشافات جدید نشان میدهد که این درست نیست. فرعون عنوان داده شده به حکام در پادشاهی متأخر مصر است نه قبل از آن. بنابراین فرعونی در زمان ابراهیم یا یوسف وجود نداشته است و فرمانروا فقط شاه بوده است. قرآن به درستی در سوره ۱۲ (آیات ۴۳، ۵۰، ۵۴ و ۷۶) حاکم زمان یوسف را به عنوان شاه (مَلِک) ذکر میکند و به درستی در سوره ۴۰ (آیات ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۴۵ و ۴۶) حاکم زمان موسی را فرعون نام میبرد.

-ضخامت پوشش رجم (لایه درونی زهدان یا اندومتر) در خلال دوره قاعدگی تا چند برابر (تا حدود ۲ تا ۱۶ میلیمتر) افزایش مییابد. این تنها اخیراً کشف شده است در حالی که قرآن در ۱۳:۸ میگوید: «خدا میداند آنچه را که هر ماده‌ای (در رجم) بار میگیرد و (نیز) آنچه را که رحمها میکاهند و آنچه را میافزایند و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد.» اندازه ضخامت پوشش رجم (اندومتر) بستگی به مرحله قاعدگی دارد.

-برای مدتهای زیادی مصر شناسان و زمین شناسان تصور میکردند اهرام مصر از بلوکهای سنگ آهک (تا ۷۰ تن) که با استفاده از سنگ تراشی دستی از معدن استخراج شده‌اند درست شده است. کارگران سپس آن بلوکها را روی سطوح شیب دار تا بالای اهرام میبرده‌اند.

امروزه میکروسکوپ الکترونی فاش ساخته است که بلوکهای فوقانی دارای شیمی‌ای هستند که در جای دیگری در طبیعت یافت نمیشود. آن بلوکهای فوقانی باید پخته و سپس قالب ریزی شده باشند درست مانند سیمانهای امروزی (نه این که سنگ تراشی شده باشند). قرآن در ۲۸:۳۸ اشاره دارد که فرعون از گل پخته برای ساخت بلندیهایی رفیعشان استفاده میکرد.

-جنین خودش را به مادر به حالت آویزان یا معلق میچسباند و از مادر تغذیه میکند درست شبیه زالو (که اتفاقاً از لحاظ ظاهری شبیه جنین نیز هست) که خود را به میزبان میچسباند و آویزان او میشود تا از او تغذیه کند. همچنین استخوانها قبل از ماهیچه‌ها شکل میگیرند. این حقایق علمی اخیراً کشف شدند در حالی که قرآن خیلی زودتر در ۲۳:۱۴ ترتیب تبدیل در جنین را به درستی

این طور بیان میکند: نطفه، زالو، مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده که احتمالاً همان غضروف است که بعد به استخوان تبدیل میشود)، استخوان، گوشت روئیده بر استخوان.

- آب روی زمین در واقع از فضای خارج آمده است به ویژه از یخ موجود در دنباله دارها و شهاب سنگها. وقتی این اجرام وارد اتمسفر زمین میشوند گرمای ناشی از اصطکاک آنها با جو، یخ موجود در آنها را تبخیر و بخار آب را به جو زمین اضافه میکند.

قرآن در ۲۴:۴۳ میگوید خدا از آسمان کوههایی که در آن تگرگ (آب یخ زده) است فرو میفرستد و نزدیک است روشنی برق آن (که ناشی از اصابت آنها با اتمسفر یا خود زمین است) چشمها را ببرد و با نزول آن کوهها به هر که بخواهد (نه لزوماً همه) مصیبت میرساند یا نمیرساند (در حالی که بارش باران (لزوماً) بر همه است و مصیبت وارد نمیآورد).

همچنین قرآن در ۲:۱۶۴ به دو مطلب اشاره میکند: یکی به آب (نه باران) که از آسمان نازل میشود و دیگری به ابری که بین آسمان و زمین است.

از این رو چون تکرار در یک آیه زائد به نظر میرسد و آسمان در مطلب اول نمیتواند همان آسمان در مطلب دوم باشد که ابر بین آن و زمین قرار دارد و از آن باران میبارد احتمالاً این دو به دو چیز متفاوت اشاره دارند: اولی به آمدن آب از فضا به زمین و دومی به آمدن باران.

- امروز میدانیم آهن در میان تمام عناصر دارای قویترین پیوند هسته‌ای است (که همین باعث ابقای آن در کیهان شده است). همچنین آهن و اغلب عناصر روی زمین از فضای خارج بر زمین فرود آمده (یا نازل شده) است و به دلیل وزن سنگینش عمدتاً در مرکز زمین تجمع یافته است.

حدید با معادل ابعادی ۲۶ به معنای آهن است که عدد اتمی‌اش ۲۶ است. عدد جرمی یکی از چهار ایزوتوپ طبیعی آن ۵۷ است که شماره سوره الحدید نیز هست. قرآن در ۵۷:۲۵ میگوید آهن را نازل کریم که در آن سختی شدیدی است.

- امروز ثابت شده است که مسئول دروغ بافی در مغز، قشر جلویی مغز (مجاور پیشانی) است. قرآن در ۹۶:۱۶ میگوید: «پیشانی دروغگوی خطاکار را» و به این وسیله اشاره به محل دروغبافی در مغز میکند.

- تفاوت در دما، شوری، و غلظت دی اکسید کربن در دریاها باعث میشود که آب به لایه‌هایی از هم جدا ولی مجاور هم تقسیم شود. این یافته‌ی علمی‌ای جدید است. اما قرآن در ۵۵:۱۹ و ۵۵:۲۰ و ۲۵:۵۳ و ۳۵:۱۲ و ۲۷:۶۱ از دریاهایی در تماس با هم که مخلوط نمیشوند صحبت میکند.

در شهر توریستی اسکاگن، شمالی‌ترین شهر دانمارک، جایی که دریای بالتیک و دریای شمالی به هم می‌پیوندند، دو دریای مختلف یکی نمیشوند و در مرز آنها حائلی تماشایی به وجود می‌آید.

همچنین در اقیانوس، نه تنها نوری به اعماق نمیرسد بلکه لایه‌های آب در آن پایین مسطح و صاف نیستند بلکه مواجند، یعنی دریاها دارای موجهای داخلی هستند همچنانکه میدانیم جریانها و رودهای داخلی در اقیانوسها وجود دارند که دارای مشخصات دما و غلظت متفاوت هستند. این ها کشفیاتی جدید است اما قبلاً قرآن در ۲۴:۴۰ به تاریکی بسیار غلیظ در عمق ژرف دریاها و وجود امواج طبقه‌ای در این اعماق اشاره کرده است.

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ۚ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا ۗ وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

یا همانند تاریکیهایی است در دریایی ژرف، که موجش فرو پوشد و بر فراز آن موجی دیگر و بر فرازش ابری است تیره، تاریکیهایی بر فراز یکدیگر، آن سان که اگر دست خود بیرون آرد آن را نتواند دید. و آن که خدا راهش را به هیچ نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد.

-هامان نامی است که در کتاب استر کتاب مقدس یافت میشود. هامان به عنوان دستیار شاه ایران، چندین عصر بعد از موسی، به تصویر کشیده میشود. نام هامان همچنین در قرآن منتهی به صورت معاصر با موسی ذکر میشود. شکاکان ادعا میکنند که هر کس که قرآن را نوشته است اشتباهی در کپی برداری کرده و نام هامان را در دوره زمانی اشتباهی ذکر نموده است. امروز مصر شناسان هیروگلیفهای قدیمی ای حاوی نام و عنوان هامان را یافته‌اند. بر طبق آیه ۲۸:۳۸ قرآن، هامان در مصر بوده و شغل وی در رابطه با ساخت و ساز بوده است. امروز هیروگلیفهای ذکر شده را در اختیار داریم که نام هامان و عنوانش، رئیس کارگران سنگ و معدن، را بر خود دارند.

مصر شناسان از هیروگلیفها دو دعا را ترجمه کرده‌اند که از خدایان میخواهند که به «سرپرست سنگ تراشان آمون، هامان» برکت دهند. (آمون یکی از خدایان مصریان قدیم بود که مجسمه‌های سنگی او در همه جای مصر وجود دارد.) پس در رابطه با هامان اشتباهی در قرآن صورت نگرفته است.

اثر انگشت منحصر به فرد انسان

-قرآن در ۷۵:۴ تلویحاً به اختصاصی بودن (خطوط) سرانگشتان هر فرد اشاره میکند، امری که مسلماً در زمان نزول قرآن ناشناخته بوده است.

بَلَىٰ ۚ قَادِرِينَ عَلَىٰ ۙ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم!

-در قرآن ۳۲ بار کلمه البحر و ۱۲ بار کلمه البر به معنی خشکی آمده است. نسبت این دو عدد مثل ۷۲:۷۳ به ۲۷:۲۷ است که بنا بر آنچه امروز می‌دانیم تقریباً نسبت مساحت آبهای زمین به مساحت خشکی‌های آن است.

-بنا بر علم جنین شناسی، حس شنوایی قبل از حس بینایی در جنین توسعه می‌یابد. جنین مدتها قبل از تولد می‌تواند صدای مادرش را بشنود. در آیه ۷۶:۲ میخوانیم: «ما انسان را از نطفه‌ای اندر آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و او را شنوا و بینا گردانیم.» و در ۲۳:۷۸ میخوانیم: «و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد، چه اندک سپاسگزارید.» و در ۳۲:۹ میخوانیم: «آنگاه او را درست اندام کرد و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد، چه اندک سپاسگزارید.» و در ۴۶:۲۶ میخوانیم: «و به راستی در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها (جنین) امکاناتی نداده‌ایم، و برای آنان گوش و دیده‌ها و دلهایی (نیرومندتر از شما) قرار داده بودیم ولی چون به نشانه‌های خدا انکار ورزیدند نه گوششان و نه دیدگانشان و نه دلهایشان به هیچ وجه به دردشان نخورد و آنچه ریشخندش میکردند به سرشان

آمد.» و در ۶۷:۲۳ میخوانیم: «اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است، چه کم سپاسگزارید.»

مضرب عدد ۱۹ در قرآن

- تعداد حروف عبارت « بسم الله الرحمن الرحيم » نوزده عدد است و تعداد « بسم الله الرحمن الرحيم » های کل قرآن ۱۱۴ عدد است. که این نیز مضربی از نوزده است. قابل توجه است که نبود بسم الله الرحمن الرحيم در سوره ی توبه، بوسیله ی سوره نمل برطرف شده است که دو بار این عبارت در آن به کار رفته است.
- تعداد هر یک از حروف عبارت « بسم الله ... » در قرآن نیز مضربی از نوزده است بدین شرح که: اسم ۱۹ بار، الله ۲۶۹۸ بار، رحمن ۵۷ بار و رحیم ۱۱۴ بار تکرار شده است که هر کدام مضربی از نوزده است و حاصل جمع ضرایب آنان نیز مضربی از نوزده است!!!
- در اول سوره ی بقره عبارت « الم » به کار برده شده است که تکرار هر کدام از حروف الف، لام و میم در این سوره مضربی از نوزده است: الف ۴۵۰۲ مرتبه، لام ۳۲۰۲ مرتبه و میم ۲۱۹۵ مرتبه تکرار شده اند که همگی بر نوزده بخشپذیرند.
- در اول سوره ی آل عمران نیز عبارت « الم » آمده است که مجموع تکرار این حروف در این سوره مضربی از نوزده است
- در ابتدای سوره ی اعراف عبارت (المص) آمده است که حرف مقطعه ی صاد علاوه بر این سوره در دو سوره ی مریم و ص نیز آمده است. مجموع تکرار حرف صاد در این سه سوره ۱۵۲ بار است که مضربی از نوزده است. مجموع تکرار حروف الف و لام و میم و صاد در سوره ی اعراف نیز ۵۳۲۰ مرتبه است که باز هم مضربی از نوزده است
- در اول سوره ی یونس نیز عبارت « الر » آمده است که مجموع تکرار این حروف در اسن سوره برابر با ۲۴۸۹ است که مضربی از نوزده است
- در ابتدای سوره هود عبارت « الر » به کار رفته است که مجموع تکرار این حروف در این سوره برابر با ۲۴۸۹ مرتبه است و مضربی از نوزده است یعنی درست به اندازه ی تکرار آنها در سوره ی یونس!
- در آیه ی ۲۹ سوره ی هود اشاره شده است که هود می گوید: « ای قوم من از شما بر رسالتم مالی نخواسته ام ... » که مضمون این عبارت در تمام قرآن ده مرتبه تکرار شده است و همه جا به جای کلمه ی « مال » کلمه ی « اجر » بکار رفته است مگر در این سوره که استثنا از کلمه ی مال استفاده شده است زیرا اگر از کلمه ی « اجر » همچون سایر سوره ها ی قرآن استفاده می شد نظم آماری عدد نوزده این سوره به کل بر هم می خورد!
- در اول سوره ی یوسف نیز عبارت « الر » آمده است که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۲۳۷۵ مرتبه است که مضربی از نوزده است.
- در اول سوره ی الرعد عبارت « المر » به کار رفته است که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۱۴۸۲ مرتبه است که مضربی از نوزده است
- اول سوره ی ابراهیم (ع) عبارت « الر » آمده است که مجموع تکرار این حروف در این سوره برابر با ۱۱۹۷ مرتبه است که مضربی از نوزده است
- در اول سوره ی حجر عبارت « الر » به کار رفته است که مجموع تکرار این حروف در این سوره برابر با ۹۱۲ مرتبه است که مضربی از عدد نوزده است

- طولانی ترین مجموعه ی حروف مقطعه در سوره ی مریم آمده است که عبارت است از « کهیعض » که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۷۹۸ مرتبه است که مضربی است از عدد نوزده همچنین به رابطه ی دقیق ریاضی بین این سوره و سوره های اعراف و ص توجه فرمایید.
- در اول سوره ی عنکبوت عبارت « الم » آمده است که مجموع تکرار این حروف در این سوره برابر با ۱۶۷۲ است که مضربی از نوزده است.
- در اول سوره ی الروم عبارت « الم » به کار رفته است که تکرار این حروف در این سوره مجموعاً ۱۲۵۴ مرتبه است که مضربی از نوزده است
- در اول سوره ی لقمان نیز عبارت « الم » آمده است که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۸۱۷ مرتبه است که مضربی از نوزده است
- در اول سوره ی یس عبارت « یس » آمده است که تکرار این حروف در این سوره مجموعاً ۲۸۵ مرتبه است که مضربی از نوزده است.
- اول سوره ی غافر عبارت « حم » به کار رفته است و علاوه بر این سوره در شش سوره پس از آن هم (یعنی فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه و احقاف) تکرار شده است. مجموع تکرار این دو حرف در این هفت سوره برابر با ۲۱۴۷ اسن که مضربی از نوزده است
- در آیه ی دوم سوره ی شوری عبارت « عسق » به کار رفته است که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۲۰۹ مرتبه است که مضربی است از عدد نوزده
- در اول سوره ی ق نیز عبارت « ق » آمده است که مجموع تکرار این حرف در این سوره ۵۷ بار است که مضربی از نوزده است. همچنین این تعداد درست برابر با تکرار این حرف در سوره ی شوری است که با همین حرف مقطعه آغاز شده است!
- درباره ی قوم لوط در قرآن سیزده بار سخن رفته است ولی در سوره ق بر خلاف سوره های دیگر که از عبارت « قوم لوط » استفاده شده است، از عبارت « اخوان لوط » استفاده شده است زیرا اگر به جای اخوان کلمه ی قوم به کار می رفت نظم عدد نوزده این سوره بر هم می خورد!
- اول سوره ی قلم عبارت « نون » به کار رفته است (در قرآنها ی کنونی برای سهولت از « ن » استفاده شده است ولی در اصل این حرف مقطعه در این سوره به صورت « نون » آمده است نه « ن ») یعنی باید دو « ن » محاسبه شود) بر خلاف سایر حروف مقطعه ی قرآن) که مجموع تکرار این حروف در این سوره ۱۳۳ مرتبه است که مضربی از نوزده است. همچنین اگر این سوره با « ن » آغاز می شد نظم کد نوزده به هم می خورد!
- قرآن شامل ۱۱۴ سوره است که مضربی از نوزده است. قرآن شامل ۶۳۴۶ آیه است که مضربی از نوزده است. تعداد کل حروف قرآن بر طبق محاسبه ی دانشگاه الازهر ۳۳۰۷۳۳ حرف است که مضربی از عدد نوزده است! تعداد حروف الله در کل قرآن ۲۶۹۸ مرتبه است که باز هم مضربی از نوزده است.

معجزات ریاضی قرآن

-بعضی از نظمهای عددی موجود در قرآن واقعاً عجیب هستند مثل بعضی مواردی که در این مقاله آمده است و می توانید به راحتی صحت آنها را با استفاده از نرم افزار موجود در CD جامع انفاسیر (نورالانوار ۳) از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی که در بازار موجود است یا نرم افزارهای دیگر تحقیق کنید.

- کلماتی که به ترتیب دارای سه حرف اصلی ف ر ق (یعنی سه حرف اصلی فرقه) هستند ۷۲ بار در قرآن آمده است. خواجهی شیراز می گوید: جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
- کلمه‌ی قمر ۲۷ بار، برابر با تعداد گردش زمین به دور خود در طی یک دور گردش کامل ماه به دور زمین، در قرآن آمده است.
- کلمه‌ی شهر به صورت مفرد، به معنی طول زمانی یک ماه، به شرح زیر ۱۲ بار، برابر با تعداد ماههای سال، در قرآن آمده است: شهر ۱۸۵:۲، الشهر ۱۸۵:۲، الشهر ۱۹۴:۲، بالشهر ۱۹۴:۲، الشهر ۲۱۷:۲، الشهر ۲:۵، الشهر ۹۷:۵، شهر ۳۶۱:۹، شهر ۱۲:۳۴، شهر ۱۲:۳۴، شهر ۱۵:۴۶، شهر ۳:۹۷
- کلمه‌ی یوم (و یوما) به صورت مفرد و بدون پسوند(هایی که در شکل‌های یومئذ، یومکم، و یومهم وجود دارد) دقیقاً ۳۶۵ بار، برابر با تعداد روزهای یک سال شمسی، در قرآن آمده است.
- کلمه‌ی یوم به صورت تنه (۳ بار) و جمع دقیقاً ۳۰ بار، به تعداد روزهای ماه شمسی، در قرآن آمده است.
- کلمه‌ی ساعه (یعنی مشتقات ریشه‌ی س و ع، که تنها به صورتهای الساعه، بالساعه، ساعه، و للساعه در قرآن آمده‌اند) $48 = 24 \times 2$ بار در قرآن آمده است که تعداد ساعات ۲ روز می‌باشد. (یومین که در قرآن ۲ بار آمده است به طول مدت خلقت زمین و هفت آسمان اشاره دارد.) از این ۴۸ تا تنها ۲۴ تا (برابر با تعداد ساعات یک شبانه روز) بلافاصله بعد از حرف (نه اسم یا فعل) آمده‌اند.

تناسب اعداد و کلمات در قرآن

کلمه **فرشته** (۸۸) بار و کلمه **شیطان** نیز (۸۸) بار تکرار شده است
کلمه **بهشت** (۷۷) بار و کلمه **جهنم** نیز (۷۷) بار تکرار شده است
کلمه **دنیا** (۱۱۵) بار و کلمه **آخرت** نیز (۱۱۵) بار تکرار شده است
کلمه **گیاه** (۲۶) بار و کلمه **درخت** نیز (۲۶) بار تکرار شده است
کلمه **تابستان** گرم (۵) بار و کلمه **زمستان** سرد نیز (۵) بار تکرار شده است
کلمه **مجازات** (۱۱۷) بار و کلمه **آمزش** نیز (۱۱۷ * ۲) بار تکرار شده است
کلمه **آسمان** (۷) بار و کلمه **ساخت آسمان** نیز (۷) بار تکرار شده است
کلمه **زکات** (۳۲) بار و کلمه **برکت** نیز (۳۲) بار تکرار شده است
کلمه **شراب** (۶) بار و کلمه **مستی** نیز (۶) بار تکرار شده است
کلمه **رحمت** (۷۲) بار و کلمه **هدایت** نیز (۷۲) بار تکرار شده است
کلمه **فقر** (۱۳) بار و کلمه **ثروت** نیز (۱۳) بار تکرار شده است
کلمه **بگو** (۳۳۲) بار و کلمه **گفتند** نیز (۳۳۲) بار تکرار شده است
کلمه **الرحمن** (۵۷) بار و کلمه **الرحیم** (۱۱۴) بار تکرار شده است
کلمه **الفجار** (۳) بار و کلمه **الابرار** (۶) بار تکرار شده است
کلمه **سختی** (۱۲) بار و کلمه **اسانی** (۳۶) بار تکرار شده است
کلمه **ابلیس** (۱۱) بار و کلمه **استعاذه بالله** (۱۱) بار تکرار شده است
کلمه **المصیبت** (۷۵) بار و کلمه **الشکر** (۷۵) بار تکرار شده است
کلمه **الجهر** (۱۶) بار و کلمه **العلانیه** (۱۶) بار تکرار شده است
کلمه **الشدیه** (۱۰۲) بار و کلمه **الصبر** (۱۰۲) بار تکرار شده است
کلمه **المحبیه** (۸۳) بار و کلمه **الطاعه** (۸۳) بار تکرار شده است
کلمه **سجده** (۳۴) بار تکرار شده است و **ما در نماز های یومیه (۳۴) بار سجده می کنیم**